هفته نامهٔ

مجاهد

و آنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکوکاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

سرمقاله

امسال از روز معلم در ۱۳ میزان بزرگداشت به عمل می آید

ص۲

تاریخچهٔ جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ هفتم ۳۱ ثور ۱۳۹۰ ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۳۲ - 21 May 2011

آیندهٔ روابط میان امریکا و پاکستان



کشته شدن اسامه بن لادن در پاکستان، این کشور را زیر فشارهای بی سابقهٔ بین المللی قرار داد. ده سال زندگی مخفیانهٔ اسامه بعد از واقعهٔ یازدهم سپتامبر در خاک پاکستان نمی توانست بدون حمایت حلقه های خاص و پرنفوذ در پاکستان امکان پذیر باشد و این مسئله سوالاتی را در مورد صداقت پاکستان در همراهی با امریکا در مبارزه علیه تروریسم در ایالات متحدهٔ امریکا به میان آورده است.

حمایت طالبان از اسامه بن لادن به لشکر کشی امریکا به افغانستان و سرنگونی نظام طالبان انجامید. شورای امنیت سازمان ملل متحد در این مورد قطعنامه ای صادر کرد تا مجوزی برای حملهٔ امریکا و شرکایش به افغانستان باشد اما این بار وقتی مشخص شد که اسامه نه در افغانستان بلکه در پاکستان پناه گرفته بود، و در همانجا نیز به قتل رسید، حتی از دولت پاکستان خواسته نشد تا کسانی را که به اسامه زمینهٔ پناه گرفتن در خاک پاکستان را مهیا ساخته بودند، به امریکا بسپارند.

سناتور جان کری مهمترین مقام امریکایی بود که پس از واقعهٔ کشته شدن اسامه به پاکستان سفر کرد. وی در پاکستان سخنان تندی به آدرس رهبران آن کشور داشت. قبلا پارلمان پاکستان در عکس العمل به عملیات نظامی سربازان امریکایی برای کشتن اسامه در خاک آنکشور، به دولت امریکا اعتراض شدید نموده و این کار را نقض تمامیت ارضی پاکستان خوانده بود. سناتور جان کری در سخنانی که مشخص بود به جواب همین اعتراض بیان می شد گفت که اگر اسامه با اجازه و ویزای رسمی ص۳

موضعگیری های متفاوت بر سر پیمان استراتیژیک!

ص۶

په حصارک او تخار کې د ولسونو له قهر وروسته هیواد د ولسي پاڅون په لورې



په هیواد کې د ناټو او بهرنیو ځواکو د خودسرو عملیاتو په نتیجه کې چې پدې ورستیو دوه میاشتو کې کومې امنیتي پیښې رامینځته شوي، دا ددي غمازي کوي چې نور د افغان ولس د صبر کاسه ډکه شوې ده.

نږدې یوه نیمه میاشت وړاندې په مزار شریف کې عام ولس د جمعې په ورځ په یو لاریون لاس پورې کړې وو چې بیا یې خونړی رنګ غوره کړ. په نتیجه کې یې د یوناما دفتر اوه تنه مامورین ووژل او هم یکې ګڼ پولیس او عام وګړي تلفات وو. همدارنګه د کنړ په ولایت کې چې کله د امریکایي چورلکو لخوا د غازی آباد په سیمه کې د شپیتو تنو په شاوخوا کې عام وګړي (چې ډیری یې ښځې او ماشومان وو) او هم په یوه ورته بله پیښه کې نهه تنه نور ماشومان شهیدان کړاي شول نو د بهرنیو او ناټو ځواکونو پر خلاف د خلکو رویه سخته او تنده شوه چې لامله یې د کنړ په ګنو سیمو کې طالبانو ځینې لاسته راوړنې ولرلې او ۷مخ

حملهٔ طالبان به یک شرکت راه سازی در پکتیا

گفته می شود که در ولسوالی زدران ولایت پکتیا، طالبان ۳۵ تن از کارکنان و محافظان یک شرکت راه سازی را کشته و ۲۴ تن دیگر را زخمی ساخته اند. هنوز دقیقا معلوم نیست که این افراد در جریان درگیری با طالبان کشته شده اند و یا بعد از دستگیری توسط طالبان به قتل رسیده اند.

بنا به گزارش ها محافظین این شرکت، حدود پنج ساعت با طالبان مقاومت کردند. همچنان گزارش شده است که طالبان ۷۲ تن از کارمندان این شرکت را باخود برده اند که تا هنوز از سرنوشت آن ها معلوماتی در دست نیست.

گروه طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفته و گفته اند که در درگیری با این افراد، یک نفر از آنان کشته و دو تن دیگر زخمی شده اند. طالبان نیر ادعا کرده اند که وسایل راه سازی مربوط به این شرکت را به آتش کشیده اند.

این شرکت راه سازی مسئولیت ساختن بخشی از بزرگراه خوست - گردیز را به عهده داشته اند. این بار اول نیست که طالبان دست به چنین اقدامی می زنند، اما اینبار از مرگبارترین حملات بوده است.



توافقنامهٔ حماس و فتح صدای مشروع ملت فلسطین

ص۷

احصائیه چگونه و چرا؟

ص۶

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر: دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپه نرسیده به هوتل کابل شاهل

شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹

Website: www.mujahedweekly.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

امسال از روز معلم در ۱۳ میزان بزرگداشت به عمل می آید

از سال های دور، سوم جوزا در افغانستان به عنوان یک روز به یادماندنی و فراموش ناشدنی در خاطره های معلم و شاگرد و افراد چیز فهم این کشور باقی مانده است، وقتی سوم جوزا، را به یاد بیاوری بلافاصله یادآور روز معلم است که اکثریت با این نام آشنایی دارند و همه ساله از این روز به نام « روز معلم » و از مقام والای معلمان بزرگداشت به عمل می آمد. اما امسال وزارت معارف اعلام داشته است که از مقام معلم در سوم جوزا نه بلکه، در ۱۳ میزان مطابق ۵ اکتوبر که در مطابقت با روز جهانی معلم است، ارجگذاری می شود. در اعلامیهٔ وزارت معارف گفته شده که، تجلیل روز معلم در سوم جوزا کدام پیشینهٔ تاریخی ندارد.

گرچه تاریخ دقیق تعیین روز بزرگداشت جهانی از مقام معلم هم چندان روشن نیست، اما روز پنجم اکتبر را روز جهانی معلم خوانده اند. گفته می شود در سال ۱۹٤٤ یک معلم امریکایی از مقام های کشورش خواست تا روزی را به بزرگداشت معلم اختصاص دهند. تا هنوز برخی کشور ها نظیر: چین، هند، امریکای لاتین، ایران و ... به روز جهانی معلم نپیوسته اند.

فرق نمی کند که در کدام روزی از سال از مقام معلم طور رسمی بزرگداشت بعمل می آید، اما مهم این است که به خاطر رشد تعلیم و تربیه و توجه به آینده سازان کشور، به مشکلات معلمان رسیدگی شود تا فارغ از هرگونه تشویش به دروس شان ادامه دهند.

بدون شک، نقش معلم در جامعه، نقش بزرگ است. معلمان معماران آینده کشوراند به هر اندازه که ما عزت و حرمت معلمان را داشته باشیم، شایسته ایشان می باشد و به ارجگذاری به آن زیبندگی دارد.ارزش علم و دانش و فراگیری آن به حدی بزرگ و با منزلت است که، پیامبر بزرگوار اسلام زمانی که با دو گروه در مسجدی مواجه شدند که گروه اول عبادت می‌کردند و گروه دوم به آموزش علم مشغول بودند، گروه دوم را افضل دانست.

اما وظیفهٔ مشترک معلم و متعلم است تا در مسیر تعلیم و تعلم درجهت هدف الهی و انسانی گام برداشته و نباید در انجام این اعمال هدف دیگری را در نیت خود راه دهند.

به روح همه معلمان مؤمنی که از ابتدای خلقت تا حال جهان را وداع گفته اند و به خصوص معلمانی که توسط دشمنان اسلام و دشمنان تعلیم و تربیت شهید شده اند، درود می فرستیم و به آنعده معلمانی که حیات دارند و با قبول همه مشکلاتی که دامنگیر کشورما است، به تعلیم و تربیهٔ آینده سازان این کشور درتلاش اند، برای شان از بارگاه اقدس الهی اجر و پاداش عظیم خواهانیم.

در اینجا مطلب مهمی را که باید پیش از فرا رسیدن روز معلم تذکر داد، اینست که معلمان و وزارت معارف بدان توجه داشته باشند، آنچه برخی شاگردان و خانواده های شان را در تجلیل از این روز نگران می سازد، اهدای تحفه به معلمان است که در مکاتب عمومیت پیدا کرده است و آن عده شاگردانی که در اثر فقر نتوانند تحفه تهیه کنند، حتماً در برابر دیگر همصنفان شان احساس کمی می کنند که این خود بالای روحیهٔ شاگرد اثر مستقیم داشته و در عدم فراگیری درس و رشد فکری شان نیز اثرخواهد گذاشت.

معلم قابل قدر است باید تقدیر شود، اما مقامات وزارت معارف با درک وضعیت اقتصادی شهروندان کشور، روی این موضوع برنامهٔ عملی را رویدست گیرند تا این معضل روی شاگردان بی بضاعت اثر منفی بجا نگذارد.

تاریخچهٔ جمعیت اسلامی افغانستان ۳

محمد نسیم فقیری

مقدمه

نوشتن تاریخ احزاب سیاسی، کاریک فرد نه بلکه کار یک گروه است. تمام کسانی که در حوادث و جریان هایی که به رشد، تقویت و یا رکود و ضعف احزاب نقش داشته اند و یا خود شاهد این تحولات بوده اند. می توانند به درستی موضوع را به روایت و چشم دید خود بنگارند. در مورد ولایت لغمان و قسما ننگرهار روایت های نویسنده را مطالعه خواهید کرد.

آغاز و گسترش جمعیت اسلامی در ولایت لغمان

روایت می شود، یک تن از اعضای جمعیت اسلامی که شاهد تظاهرات و اجتماعات احزاب سیاسی در دههٔ دموکراسی در شهر کابل، جزء نخستین گروه تظاهر کننده در ۳ عقرب سال ۱۳۵۰ هـ.ش درشهر مهترلام بود.

دورهٔ کودکی او (۱) زمانی که متعلم صنف سوم در مکتب باغ علیمردان کابل بود، باب خوانش مقالات در محافل مکتب، او را با سیاسیت آن روزگار همراه و آشنا ساخته بود. او چند بار در پارک زرنگار و پوهنتون کابل، اشعار انقلابی را که هم صنفان برادرش در دارالمعلمین کابل به او می دادند، می خواند.

دریکی از تظاهرات محصلین پوهنتون کابل که در پارک زرنگار دایر شده بود با قانون پوهنتون ها مخالفت داشت، قطعه شعری کوتاه را (بدون نوبت و اجازه) خواند. این شعر و خوانندهٔ آن برای محصلین بسیار جالب بود که یک کودک ۸ یا ۹ ساله آن را می خواند. یکی از تظاهر کنندگان پرچمی (۲) او را بر شانه های خود بالا کرد و گفت که این شعر را دوباره بخواند. (۳)

گفته می شد که بحرالدین باحث، رهبری تظاهرات را به عهده داشته است.

همین تاثیرها بود که قبل از شمولیت در صنف هفتم لیسه روشان، در مبارزات انتخاباتی ولسی جرگه و مشرانو جرگهٔ همان سال در ولایت لغمان شرکت کرد.

در مبارزات انتخاباتی، ولسی جرگه از بارق شفیعی پرچمی معروف، جانبداری کرد. شعارهای بارق که « بارق شفیعی فرزند فداکار خلق» و با سمبولی که آن را نشانهٔ طبقه کار گر می دانستند، در شهر مهتر لام، جلب توجه می کرد.

این زمانی بود که اکثر حامیان بارق را کسانی تشکیل می دادند که فریفتهٔ تبلیغات دروغین کمونیست ها شده و اصلاً از بی دینی و عقاید الحادی آنان اطلاع نداشتند.!

« برهان قرآن» و «پیامبر» از نوشته های صدرالدین بلاغی و زین العابدین رهنماء اولین کتاب هایی بود که در سال های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ از کتابخانهٔ ماما و از شهید استاد تاج محمد خان گرفته و آن را مطالعه می کرد... با مطالعه های به الحاد و بی دینی کمونیست ها به زودی پی برده شد و یکی از موسفیدان قریه (۳) در مورد بارق، معلومات داد و گفت که او ملحد و بی دین است...

این مطالعه ها در نوشتن مقالات برای کنفرانس های مکتب، ممد و مفید واقع شد و چون او یگانه مقاله خوان مکتب بود و در هر اجتماع و کنفرانس از او می خواستند تا مقاله بنویسد و بخواند... در یکی ازکنفرانس ها که استعمار شرق و استعمار غرب (بر گرفته از کتاب های اسلامی) در مقالهٔ او موجود بود، یک حرف نو و پیام جدید برای شنوندگان بود، در این زمان مولوی حبیب الرحمن که قبل از پذیرفته شدن در کدر علمی دانشکدهٔ شرعیات استاد در لیسهٔ حبیبیه بود، پس از پایان کنفرانس و خروج از مکتب، به وی نزدیک شد و از مقالهٔ او تعریف کرد این نخستین شناخت طرفین بود. در این زمان مقاله خوان که شامل بخش کودکان جمعیت څارندوی به نام " زمرک" بود با پیراهن آستین کوتاه و نیکر آبی و نکتایی زرد که لباس مخصوص زمرک ها بود در کنفرانس شرکت داشت و مولوی با تعریف از مقاله به لباس او اشاره کرد که، همچو مقاله خوان نباید شامل همچو تشکیلات باشد... با مطالعهٔ کتاب های اسلامی و ضد امپریالسیم شرق و غرب، به فضل خداوندی ، میان او و همراهان پرچمی اش، فاصله ایجاد شد و نزدیکی کوتاه دوران انتخابات ولسی جرگه به پایان رسید. در انتخابات مشرانو جرگه او از مامای خویش (۴) حمایت کرد و با خوانش اشعار و ایراد بیانیه ها از او جانبداری نمود...

آهسته آهسته به دیداری ها و ملاقات ها افزوده شد و یک جمع کوچک به شمول داکترعبدالشکور محصل طب ننگرهار، محمد ظاهر خطیبی متعلم نجم المدارس، غلام سخی واثق، عطی الله مظلوم یار، عبدالمتین ، حاجی سمیع الله، گلرحمن و ... متعلمین لیسه روشان و جمعی از استادان به آن اضافه گردید...

آنچه که منتج به یک قیام شد:

قبل از دیدارهای جمعی و اضافه شدن به آن جمع کوچک، نگارنده متعلم صنف نهم لیسه روشان بود و یک روز معلم جدید سپورت به نام سید کریم که از خوست فرنگ ولایت بغلان بود، در نخستین روز معرفی به شاگردان با ادبیات کمونیستی و به کار بردن اصلاحات نا آشنا برای متعلمین مانند "دیالیک تیک " و ... و از جمله های به این مفهوم گفت: مادر دنیای نو با ادبیات جدید زندگی می کنیم، کهنه ها، کهنه شد و رفت و عقاید خرافی را باید کنار گذاشت... نگارنده در برابر او قرار گرفت و گفت که، شما معلم سپورت هستید و ما باید با شیوه های جدید سپورت و بازی های جدید آن آشنا شویم ولی حرف های شما که ادبیات بسیار بالا و بالاتر از سویهٔ ما شاگردان است، مانند "دیالیک تیک" و ... را اکثراً شاگردان نمی دانند، اما آنچه را همه می دانند، ایمان و عقیدهٔ راسخ مسلمان ها در برابر ادبیات به ظاهر انقلابی و علمی است و ما هرگز دین خود را فدای این اصطلاحات نمی کنیم و ارزشی به آن قایل نیستیم ... معلم از صنف بیرون شد و در موقع تفریح همه متعلمین از این گفتگو با سایر متعلمین قصه ها گفتند و در تمام مکتب آوازه شد که یک معلم علیه اسلام حرف زده و یک متعلم در برابر او ایستاده، حرف ها به بازار و شهر منتقل شد و یک گروه از علما تحت اشراف مولوی "کاسی گړ" به اداره آمدند و جویای اصل واقعه شدند. اداره به متعلمین که پرسش نامه توزیع کرد تا آنچه را دیده و شنیده اند، بنویسند.

اکثر قریب به اتفاق متعلمین به حرف های کفر آمیز معلم سپورت شهادت دادند و اداره به زودی او را به کابل فرستاد.

بعد از شهادت متعلمین، ادارهٔ مکتب که مدیریت آن را رفیع الله خان معاون مکتب به عهده داشت، نگارنده را به مجلس استادان مکتب فرا خواند و گفت: می دانی چرا همه استادان را جمع کرده ام؟ گفتم :خیر!

گفت که برای اخراج خودت از مکتب! پرسیدم! من چه گناهی کرده ام؟

یکی از معلمین خلقی به نام "حسین" که رهبری خلقی های لغمان بود، در مجلس گفت: چرا در مقابل یک معلم محیطی مانند من کسی جرأت نمی کند؟

به او گفتم: هرگاه شما هم چنین حرف هایی بزنید با عکس العمل مشابه مواجه خواهید شد. گرچه تعدادی از استادان مسلمان در مجلس حضور داشتند اما هیچکدام از آنها جرأت نکردند. معلم انگلیسی که موسفید بود به نام عبدالرزاق خان خطاب به معلم سپورت گفت: او معلم سپورت! تو باید توپ را می گرفتی و به شاگردان توپ بازی را یاد می دادی! این حرف های بیهوده را چرا گفتی!

یک معلم دیگر که انتظار نمی رفت دفاع کند، از من دفاع کرد و معلم را محکوم کرد... معاون به من گفت که شما حرف های معلم را نفهمیده اید و درک نکرده اید: چون شما کوچک هستید. من گفتم: من اگر کوچک هستم، دارای فکر کلان هستم: معاون گفت: معراج الدین خان (پسر مامای نگارنده) هم فکر کلان داشت! در جواب گفتم: من فرزند فقیر محمد خان هستم: از ادارهٔ مکتب با سکوت استادان مسلمان و پرخاش معاون و معلم خلقی، بیرون شدم. موضوع به سرعت به بیرون درز کرد. علمای مذهبی طوری که گفته شد تحت رهبری مولوی کاسی گړ به مکتب آمدند و به معاون گفتند: شما پسر یک مولوی هستید و باید نگذارید که برضد عقاید مسلمانان در مکتب صحبت شود، در غیر آن ما حضور داریم و نگارنده را تشویق نمود و شادباش گفت...

(۱) نگارنده

(۲) داکتر نجیب الله (۳) در صف مردانگی شمشیر می باید گرفت حق خود را از دهان شیر می باید گرفت

(۳) رحمت خان کاکا از قلعهٔ عبدالصمد خان

(۴) سرمعلم نجم الدین لغمانی.

وحید مژده

آیندۀ روابط میان امریکا و پاکستان

ادامه از صفحۀ اول

دولت پاکستان برای مدت ده سال در این کشور اقامت داشته است، این کار همکاری پاکستان با تروریسم بین المللی را نشان می دهد اما اگر وی به طور مخفیانه و دور از چشم مقامات پاکستان در این کشور اقامت داشت، در آن صورت تمامیت ارضی پاکستان را اسامه بن لادن نقض کرده بود نه امریکا، که با یافتن محل اقامت وی، او را به قتل رسانید.

سناتور جان کری همچنان گفت که هدف از سفر وی به پاکستان تبادل نظر با مقامات پاکستانی است و در این سفر هیچگونه معذرت خواهی درکار نخواهد بود.

سخنان کری هم تند و در بعضی موارد آشتی جویانه بود. او از نقش پاکستان در مبارزه با تروریسم ستایش کرد و گفت که تعداد زیادی از رهبران القاعده در پاکستان دستگیر یا کشته شده اند و این کار بدون همکاری پاکستان ممکن نبود.

در شرایطی که به نظر می رسید روابط میان امریکا و پاکستان به مرحلۀ حساسی رسیده است، رهبران پاکستان دست به مانور سیاسی جدیدی زدند. آنها به صورت واضح از نزدیکی با چین سخن گفتند و چین را به عنوان یک دوست قابل اعتماد پاکستان خواندند. قبلا در سفر یوسف رضا گیلانی وهیئت همراهش به افغانستان، گیلانی از دولت افغانستان خواسته بود به جای جلب کمک از هند، به چین نزدیک شود

درشرایطی که گفته می شد شاید امریکا کمک های خود به پاکستان را به حالت تعلیق درآورد، بعضی مقامات دیگر امریکایی هم در رابطه به پاکستان سخنان نرمی بر زبان آوردند. جناح قدرتمند جمهوریخواه در کنگره موضعی به نفع پاکستان دارد و سناتور جان مک کین گفت که با وجود اینکه اسامه در پاکستان بود اما مهم اینست که او کشته شده است و ما نباید به خاطر این مسئله پاکستان را از دست بدهیم.

پاکستانی ها از حساسیت های امریکا در این منطقه از جهان به خوبی آگاهند. چین کشوری است که با سرعت سرسام آور رشد اقتصادی اش، خواب خوش رهبران قصر سفید را آشفته کرده است. امکان به میان آمدن یک ابرقدرت از آسیا یعنی قاره ای که بیشترین ظرفیت ها و امکانات را در خویش نهفته دارد، به معنی پایان کار یکه تازی های غرب در جهان خواهد بود. این مسئله ای است که ساموئیل هاتینگتون در تئوری جنگ تمدن ها به آن پرداخته است.

قدرت چین برای ایالات متحدۀ امریکا به حدی نگران کننده است که حتی مسافرت شخصیت های مهم به خصوص از کشورهای آسیایی را به این کشور به دقت مورد توجه قرار می دهد. چند سال قبل ملک فهد پادشاه سابق عربستان سعودی، شهزاده بندر بن عبدالعزیز را مخفیانه برای مذاکرات به چین فرستاد. امریکایی ها از این سفر آگاه شدند و سفیر امریکا در سعودی به دیدار فهد رفت. ملک فهد که در آن زمان در بستر مریضی بود، سفیر را پذیرفت. سفیر امریکا از فهد در مورد دلیل سفر شهزاده بندر به چین پرسید. فهد از اینکه امریکایی ها از این راز آگاه شده اند به شدت نگران شد و همین نگرانی موجب شدت بیماری اش گردید که چندروز بعد چشم از جهان فروبست.

پاکستانی ها از نگرانی امریکا در مورد نقش چین در آیندۀ آسیا به خوبی آگاه اند و به نظر می رسد که نشان دادن نزدیکی بیشتر به چین به منظور وارد آوردن فشار متقابل بر امریکا تا حدی کارگر واقع شده است. امریکا اعلام داشت که قصد ندارد کمک های خود به پاکستان را قطع سازد.

از طرف دیگر راه تدارکاتی ناتو به افغانستان که از خاک پاکستان می گذرد، علی الرغم سخنانی که در مورد راه های بدیل برای آن، هنوز هم به عنوان مهمترین مسیر به حال خود باقیست و مذاکرات با فدراسیون روسیه و کشورهای

> **سناتور جان کری در پاکستان سخنان تندی به آدرس رهبران آن کشور داشت. قبلا پارلمان پاکستان در عکس العمل به عملیات نظامی سربازان امریکایی برای کشتن اسامه در خاک آنکشور، به دولت امریکا اعتراض شدید نموده و این کار را نقض تمامیت ارضی پاکستان خوانده بود. کری در سخنانی که مشخص بود به جواب همین اعتراض بیان می شد گفت که، اگر اسامه با اجازه و ویزای رسمی دولت پاکستان برای مدت ده سال در این کشور اقامت داشته است، این کار همکاری پاکستان با تروریسم بین المللی را نشان می دهد اما اگر وی به طور مخفیانه و دور از چشم مقامات پاکستان در این کشور اقامت داشت، در آن صورت تمامیت ارضی پاکستان را اسامه بن لادن نقض کرده بود نه امریکا، که با یافتن محل اقامت وی، او را به قتل رسانید.**

آسیای میانه بیش از اینکه یک طرح عملی را در قبال داشته باشد، جنبۀ تبلیغاتی دارد. فدارسیون روسیه حاضر شد تا با امریکا و ناتو در این امر کمک کند اما این راه طولانی و پرهزینه است. نزدیک ترین و کم مصرف ترین راه همانا راه بندر کراچی است. دولتمردان پاکستان می دانند که مسیر کشور شان تا چه حد برای نیروهای امریکا و ناتو در افغانستان حیاتی است.

پاکستان امکانات دیگری هم در اختیار دارد که به عنوان مانعی در برابر فشار های بیشتر امریکا به کار گرفته می شود. گفته می شود که زراد خانۀ اتومی پاکستان بیش از یکصد بمب اتومی را در خود جا داده است. تکنالوژی موشکی پاکستان که به کمک چین گسترش یافته است دارای موشک های با قابلیت حمل کلاهک های اتومی است. هراس از افتادن این سلاح ها به دست دشمنان سوگند خوردۀ امریکا موجب می شود تا امریکا در مورد پاکستان فقط به یک گزینه بیندیشد و آنهم ماندن در کنار پاکستان است.

همانگونه که امریکا از توسعۀ نفوذ چین در منطقه و در جهان نگران است، چین نیز نگران قدرت همسایه اش هندوستان است که به عنوان یک رقیب مهم اقتصادی در این منطقه می تواند در برابر چین قد علم نماید. نزدیکی هند و امریکا، هم برای چین و هم پاکستان نگران کننده است و این مسئله می تواند به صورت طبیعی موجب نزدیکی بیشتر چین و پاکستان گردد. زمامداران پاکستان می خواهند با این وسیله یعنی نشان دادن تمایل بیشتر به سوی چین، از امریکا امتیاز بگیرند. در عین حال ایران برای امریکا نقطۀ پر اهمیت دیگری در این منطقه است که نباید از آن غافل شد. این مسئله هم به اهمیت نقش پاکستان برای امریکا می افزاید. یعنی موقعیتی که پاکستان در گذشته از آن برای جلب کمک از امریکا استفاده کرده است.

پاکستانی ها از پایان جنگ سرد به بعد، دست به بازی هایی در منطقه زدند که در نهایت به ضرر خودشان تمام شد و اکنون در منطقه فقط چین را با خود دارند در حالی که با همسایگان دیگر روابط حسنه ندارند. رهبران پاکستان اکنون راهی جز این ندارند تا وجهۀ خود را در ذهن همسایه ها از یک کشور باج گیر به عضوی از جامعۀ جهانی که تعریفی پذیرفتنی تر و مقبول تر از منافع ملی دارد، اصلاح سازند.

"حامدکرزی در مورد دیدار با هیئت پاکستانی به ریاست یوسف رضا گیلانی به کابل گفت که، پاکستانی ها این بار حرف های متفاوت از گذشته داشتند."

اما اگر واقعا چنین شود و پاکستان با آموختن درس عبرت از گذشته، راه متفاوت از گذشته را در پیش گیرد، بدون تردید امریکا بیش از همه از این تغییر سیاست در پاکستان متضرر خواهد شد. این مسئله می تواند اغماض ایالات متحدۀ امریکا در برابر پاکستان حتی در مسئلۀ پناه دادن به اسامه بن لادن را توجیه نماید.

آنچه که در پاکستان می گذرد، دقیقا همان چیزی است که امریکا خواستار آنست. بنابراین تهدیدات جان کری چیزی را تغییر نخواهد داد زیرا از بدو تاسیس پاکستان تا امروز، هر تغییر در این کشور به خواست امریکا رونما شده است.

مباحثی پیرامون ادیان شناسی تطبیقی

سیری در ادیان رایج جهان

(سید احمد اشرفی)

آیین هندویی:

مهابهاراتا: کتاب دیگر هندوان مهابهاراتا یا هند بزرگ است. و آن رزمنامه ای است به زبان سانسکریت که در آن از جنگ های طولانی میان شاهزادگان آریایی در روز گاران قدیم سخن می گوید. **مهابهاراتا** شامل ۱۱۰۰۰ بیت بوده از جملۀ بزرگ ترین حماسه های رزمی جهان به شمار می رود. این کتاب را **برهمنان** ازنظر عرفانی خلاصه کرده، کتاب کوچکی از آن ترتیب داد اند که **بهاگودگیتا** یعنی نغمۀ الهی خوانده می شود، و در آن یکی از خدایان معروف هند موسوم به **کرشنا** مورد تقدیس و ستایش قرار گرفته است. این کتاب که گاهی به اختصار **گیتا** خوانده می شود، به طور مستقل مورد توجه قرار گرفته به زبان های زندۀ جهان از جمله فارسی ترجمه شده است.

گیتا در حقیقت شرح گفتگویی است میان خدا **کرشنا** و شاهزادۀ آریایی ارجونا در میدان نبرد. ارجونا در آغاز کار زار از خود تردد و دو دلی نشان می دهد و **کرشنا** وی را به جسارت، دلیری، حمله و پیش روی در کارزار تشویق می کند.

قوانین مانو: قوانین مانو مجموعه ای از قوانین حقوقی هندویی است که از همه بیشتر مورد احترام هندوان می باشد، و در تثبیت و تقویت ارکان و پایه های دین هندویی رول به سزایی داشته است. در فصول دوازده گانۀ این کتاب پاره ای ازنصایح حکیمانه نیز به چشم می خورد. به عنوان مثال اطاعت واحترام والدین و معلم، توبه و اقرار به گناه، راستی، صبر و شکیبایی را می توان نام برد. ظالمانه ترین قانونی که در این کتاب وجود دارد، قانون کاست یا طبقات و قانون مربوط به زن است که گوشه ای از آن را قبلا نقل کردیم.

۲- آیین بودایی

وجود نظام ظالمانۀ طبقاتی در جامعۀ هندی و استبداد طبقۀ **برهمن** که نام خدایان بر مردم هند حکم می راند، و همچون بردگان برجان ها و مال های ایشان تصرف می کرد، از **سمسارا** که در جهان بینی بد بینانۀ آیین هندویی مطرح بود، از طرف دیگر، بعضی شخصیت های بزرگ هندی را واداشت تا بر ضد جریان حاکم بشورند، و راه تازه ای پیش روی مردم بگشایند. درقرن ششم قبل از میلاد، دو مذهب جدید برای همین منظور به وجود آمد یکی آیین جینی توسط **مهاویرا** و دیگر آیین بودایی توسط **گوتاما** بودا. این هردو کیش که به مثابه انقلابی بر ضد آیین هندویی تلقی گردید و هندوان در آغاز ان ها را نوعی بدعت و ارتداد قلمداد کردند، نظام طبقاتی و فدیه و قربانی و شعائر مربوط به آیین هندویی را، ملغی قرار دادند و خدایان هندویی را که اساس نظام طبقاتی هند بودند، انکار کردند. اما بعدا خواهیم دید که خود بودا و مهاویرا در نزد پیروان خویش مقام خدایی یافتند، و یکجا با خدایان هندویی مورد پرستش قرار گرفتند. لهذا از نگاه شرک و بت پرستی امروز هیچگونه فرقی میان این دو کیش انشعابی، و کیش هندویی وجود داشت، در بودیزم . جینیزم نیز کماکان حفظ گردید.

اما اولا خلاصۀ جامعی از آیین بودایی ارایه می داریم، و بعد از آن به شرح کوتاهی از آیین جینی می پردازیم.

آیین بودایی که در اواخر قرن ششم قبل از میلاد مسیح در هندوستان به وسیلۀ گوتاما بودا بنیان گذاری شد، از جمله ادیان بزرگ جهان محسوب بوده بیش از پانصد میلیون پیرو دارد. آیین مذکور در زمان پادشاهی **آشوکا** (متوفای ۲۳۲ق،م). پادشاه مقتدر و بزرگ هند، در شرق و شمال افغانستان رواج تام یافت، و بعد از آن مدت یک هزار سال بخش اعظم سرزمین ما زیر تأثیر فرهنگ بودایی قرار داشت. با اینکه زادگاه اصلی بودا و آیین بودایی سرزمین هندوستان است ، اما پس از گسترش دعوت اسلامی در این منطقه، و همچنان بر اثر فشارهای متمادی هندوها آیین بودایی از کشور هند ریشه کن گردید. و اکنون جز گروه اندکی از پیروان آن در آنجا باقی نمانده است. و بیشتر بودائیان جهان امروز در چین، جاپان، کوریا، تایلند، برما، نیپال ، کامبوج،لائوس و غیره زندگی می کنند.

جهد و محور رسالت بودا که انشعاب و رفورمی در داخل دین هندو به حساب می رود، درین آموزه خلاصه می شود که دنیا دار رنج است و سبب رنج داشتن خواهشات نفسانی است و برای اینکه از رنج رها شویم باید هوس و حرص وآزار را دوربگذاریم و با خواهشات و هوای نفس مبارزه کنیم و تقوا و پرهیزگاری پیشه نماییم.

آموختنی هایی

اضطراب زرداران کمتر از تهیدستان نیست

۲

عبدالقیوم ملکزاد



ادامه از شمارۀ قبلی

دوکتور قرضاوی در کتاب حلال و حرام در باره اینکه مال انسان تنها مربوط به خودش نیست به توضیحاتی پرداخته که با هم می خوانیم:

"در حقیقت مال هرفرد، مال جامعه می باشد. همانا اسلام، دین حق و عدالت و جامعه اسلامی جامعه ای است معتدل ومیانه رو؛ پس بر هر مسلمان نیزلازم است در تمام شئون زندگی خود حد وسط را رعایت کند [واین بدان معنی است که] اسلام مسلمانان را از اسراف و ریخت و پاش منع نموده است، همانگونه که آنان را از بخل و بی رحمی بر حذر داشته است.»

هرگاه بخواهیم در کشور به ظاهر فقیر خود نگاهی داشته باشیم، به وضوح در می یابیم که تفاوت های زندگی ساکنین این کشور چه قدر زیاد وغیر قابل باوراست؟ تهیدستان چه اندازه بی شمارند و «رفقای شیطان» مصروف چه عصیان گری ها و کار های هرزه؟

تعجب نباید کرد، آیانه چنان است، در این کشور فقیرو محتاجی که شکم بیشتر از هشتاد فیصد مردم از غذا سیر نمی شود، مسرفین و مبذرینی راهم سراغ داریم که از سوار شدن بالای پرقیمت ترین موتر هایی که مادل سال نباشد، آن را برای خود کسرشأن و حتی عیب می شمارند؟!!

چرا نگوئیم: هستند کسانی هم که به داشتن یک و دو و حتی سه چهار قصر قانع نیستند، بلکه حرص چنان بر آنها حاکم است که شمارۀ کاخهای سربه فلک کشیدۀ آنها در یک شهر باید از ده ها یاب بیشتر باشد... در حالی که خوب می دانند و به چشم سرمشاهده می کنند هزاران هموطن بیچاره شان از داشتن یک وجب زمین وکوچکترین سرپناه محتر عاجز هستند!

این قلم به صراحت می تواند ابلاغ بدارد که در آمد اکثر زرمداران- جز عده ای انگشت شمار- محصول خیانت از بیت المال است، اختلاس است، رشوت است، دردی است و...!

اجازه دهید به درد دیگری نیز اشاره کنم:

آیا وجود معیارهای ظالمانه، غیرعادلانه، تفاوت های فاحش و غیر قابل توجیه در امتیازات و معاشات کارمندان برخی از ادارات و مؤسسات، موجب شیوع ببماری مزمن فساد و بروز عقده های بزرگ بین سایر مامورین نگردیده است؟

آیا همین است جامعه اسلامی،، آیا همین است جامعه انسان مدار؟

آیا در کشوری که گرسنگان و انسانهای تهیدست را درد نان و پوشاک به اسارت گرفته، مگر می شود منکرشد که در کنار آنها عده ای هم هستند که با بلعیدن سرمایه های بی حساب بیت المال و قاچاق و رسوایی و افراشتن کاخهای چشم خیره کن و جمع کردن هزاران نوع وسایل و امکانات رفاهی و ...؟ هنوز با چیزی به نام قناعت آشنا نیستند؟ آیا با چنین شرایط و تفاوت های غیر عادلانه می توان سخن از انسانیت به زبان آورد؟!

آنچه که اشاره شد، نمونۀ کوچکی از زندگی یک مشت اشخاص مرفه و بی خبر از حال بیچارگان و تهیدستان است. آدمهایی که همواره اسیر دست آز وحرص اند وبه تعبیر بیدل که می گوید:

زندگی آب شد از کشمکش حرص و هوا
چند تازیم پی سگ که شکاری گیریم؟

بازهم در فکر و هوای آنند تا دنبال سگ حرص وآزبتازند وشکاری تازه گیرند!

چنانچه قبلاً اشاره کردیم مخاطب ما هرگز آنهایی نیستند که از راه حلال و زحمت کشی پول وثروت کمایی می کنند ودر راه خدا به مصرف می رسانند. زکات وصدقه می دهند و بینوایان را دستگیری می کنند و ازاسراف وتبذیر اجتناب می ورزند؛بلکه به مصداق فرمودۀ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) « **سخن حق را بگو اگرچه تلخ و ناگوار باشد.»** سخن من متوجه کسانی است که از خوردن حرام هرگز باکی ندارند، در عین اینکه در طریق اسراف و تبذیر (برای خود شان) راۀ اسراف می پیمایند. امید وارم خداوند (جل جلاله) صاحب این قلم را از جمله آنانی قرار دهد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در حق شان فرموده اند:« **آنکس که عیبی را از برادر دینی خود در دنیا دور کند، خداوند در روز قیامت صورت اورا از آتش دورخواهد نمود...**

و به حق مردم خود دعا می کنم که از حرام و اسراف وربا و احتکار و... دوری جویند وبرای به دست اوردن حلال توجه بیشتر مبذول دارند و خود را مطابق به دساتیرخدا و رسول آن قرار دهند.

قرآن عظیم الشان در آیات (۲۷۴-۲۷۵) سوره بقره می فرماید:

« کسانی که اموال شان را درشب و روز و در نهان وآشکار انفاق می کنند، پاداششان را نزد پروردگار شان دارند و نه بیمی برای شان هست و نه آنان اندوه خورند. کسانی که ربا می خورند از گور به پا می خیزند، مگر چنان کسی که شیطان با دست مالیدن اورا دیوانه کرده باشد. آن بدان سبب است که آنان گفتند که داد وستد هم مثل رباخوری است. حالانکه خدا دادوستد را حلال کرده و ربا خواری را حرام کرده است...»

پیامبر اکرم «صلی الله علیه وسلم» می فرمایند:

شدید ترین تهدیداتی که پس از من متوجه امت من است، همین کسب های حرام است وشهوت پنهانی و رباخواری.»

دلیل اینکه این قلم مطالب خود را می خواهد بیشتر از نظر دینی و تعالی شناختی ارائه دهد، به خاطرآن است که : ما الحمد الله مسلمانیم؛

«بدون تردید عقیدۀ مسلمانان، تکیه گاه ثابت ایشان محسوب می شود، به طوری که اگر دنیای پیرامون ایشان همه به لرزه در آید و این لرزه ها و تقلبات و بلواها ایشان را در حصار خویش گیرد، آنها بیشتر از پیش از تکیه گاه استفاده به عمل می آورند و هرچه امواج حوادث از محیط پیرامون شان سر بر آورند، ایشان بیشتر به این کشتی نجات وابسته می شوند...»

و به قول تحریریه شماره ۱۳ (۱۳۸۰) امت:

«حساب سود و زیان برای تاجران و بازی گران عرصه های حقیقی، شایستگی دارد.

اما عقیدۀ حق به خاطرارزش ذاتی ای که دارد، شایسته تمسک است، پاداش و منفعت وارزش ها و ره اوردهای عقیدۀ حق به خاطر ارزش ذاتی ای که دارد، شایسته تمسک است، پاداش و منفعت و ارزش ها و اوردهای عقیدۀ حق در ذات آن نهفته است. وابستگی به این عقیده رمز نجات و آرامش و عقیده بوده و دوری از آن مایۀ تزلزل و آشفتگی و فروپاشی و نکبت است.

با این اشاره، باز به مطلبی برمی گردیم که پیرامون اسراف می چرخید:

در بخشی از آیه ۳۱ سوره مبارکۀ اعراف می خوانیم :«... **همانا خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد.»**

سوال اینجاست: اسراف در مال چگونه صورت می گیرد؟

پاسخ این است زمانی که برای خرید اضافه از نیاز به کار برود. در عین حال اسراف در امر حرام نیز اطلاق می شود: مثلا دادن پول در برابر خرید شراب، قمار بازی، تهیۀ مواد مخدر، ظروف طلاو نقره ...، اینها همه حرام می باشند. از مصرف کردن پول و مال در اموال و کارهای حرام، اسراف محسوب می شود.زیرا حکم ضایع ساختن مال را می دهد.

امام رازی در تفسیر آیۀ ۱۹سورۀ بقره **(از تومی پرسند چه چیزی را ببخشیم؟ بگو آنچه اضافه بر نیاز است)** می آورد:

خداوند تعالی در مسأله بخشش ارشاد و تعلیم داده است و به پیغمبرش می فرماید:

« حق خویشان و نزدیکان خود را بده و به فقرا ونزدیکان نیز حق شان را بده، از اسراف و خرچ بی مورد خود داری کن. کسانی که اسراف می کنند، رفیق شیطانند.» (سورۀ اسراء آیۀ ۲۶ و ۲۷) و در آیت ۲۹ سوره اسراء فرموده است:

« دستت را به حالت بسته در گردنت قرارنده به نحوی که به کسی چیزی نبخشی، و بیش از اندازه هم کشاده دستی نکن.»

با عطف توجه به آیاتی که از سورۀ اسراء نقل شد، می توان برای پرسش این که:"از چه کسی می توان طالب کمک وهمکاری شد؟ و در کدام صورت و شرایط؟ "پاسخ ارائه داد.

واما حدیثی که به روایت ترمذی آمده، در برگیرندۀ توضیح بیشتر خصوصیات در رابطه با سوال فوق الذکر می باشد.

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند:

«همانا گدایی خدشه ای است که شخص بدان روی خود را لکه دار می کند، مگر اینکه از حاکم طلب کند و یا اینکه درامری لازم وضروری باشد.»

از این حدیث مبارک استنباط می شود که انسان می تواند در صورت داشتن نیاز معقول از اوالامر یا امیر خود طالب کمک شود از بند اخیر حدیث شریف می توان در یافت که اگر طلب کمک مهم نظیر ساختن مسجد و مدرسه و موسسات خیریه و پرداختن به امور فرهنگی و تبلیغی و امثال آن، صورت بگیرد، باکی ندارد!

حدیث مبارک فوق خاطره ای را در ذهن نگارنده تداعی کرد که بی مناسبت نخواهد بود؛ را جع به آن اشاره ای شود.

این خاطره بازگوکنندۀ درد و محرومیت تعداد کثیری از اهل قلم این کشور است که زندگی شان را مشکلات توانفرسای اقتصادی سخت تهدید می کند. بعضی از آنها ده ها اثر ارزشمند برای چاپ آماده ساخته اند، اما می بینیم که نبود امکانات چقدر آنها را رنج می دهد. زیرا نمی توانند آثار خودرا- که با صد خون دل خوردن آماده ساخته اند- به دست نشر بسپارند و آن را به علاقمندان توزیع نمایند.

امید وارم خاطره ای که نقل می شود، حدیث نفس تلقی نگردد، بلکه آن صفحه ای از حدیث بی مهری یکتن از یاران وهمسنگران دیرین صاحب این قلم است.

کسی است که از جمله ثروتمندان نامدار ودر عین حال از چهره های فکری نهضت اسلامی کشور به شمار می رود و از داشتن قصر های قطار اندر قطارش کسی بیخبر و منکرنیست!

جریان از این قرار بود:

درست یک سال پیش از امروز بودکه به بارگاهش سر زدم.

سخن از گذشته های افتخار افرین جهاد و عمدتاً کارهای فرهنگی و لزوم توجه بیشتر به آن، فراوان رفت...؛ در فرجام با صد مشکل راجع به چاپ دو سه اثری که در باب ادبیات جهاد و مقاومت و همچنان در بارۀ عرفان اسلامی و...، نوشته بودم، بحث به عمل امد و سرانجام از وی طالب همکاری جهت چاپ انها شدم...!

اما دریغا برخلاف انتظار و با توجه به شناخت همه جانبه ای که از وی داشتم و از در آمدهای سرشارش- که از برکت جهاد به دست آورده بود- مطلع بودم، با قرار دادن بهانه مشکل اقتصادی که برای من غیر قابل باور بود-از چاپ کتابهایم معذرت خواست و من در همان لحظه با کمال نومیدی، آنجا را ترک گفتم و تصمیم گرفتم پس از آن حتی برای چاپ کتاب خود اسباب زحمت هیچ آقایی را فراهم نیاورم. احتیاج، دروازۀ اظهار را دق الباب نکند وبه تعبیر بیدل خشکی لب هایم تری نپسندد!

هرچند پیش از این نیز یک و دو بار سنگ همچو بی مهری و بی التفاتی ها را خورده بودم، اما با تأسف مثل اینکه موجب عبرتم نشده بود تا می فهمیدم:

نا امیدی بسکه سامان طمع در خاک ریخت
ریگ صحرای قیامت جمله دندان یافتم

همان بود که تأکید کردم:

جز به زیر خاک آواز کرم نتوان شنید
اغنیااز بسکه دزدیدند چون قارون نفس

تصمیم قاطع گرفتم:

به لب حرف طلب دزدم، به دل شور هوس سوزم
خیال خام من تا پختگی گیرد، نفس سوزم

چون: **فطرت زشرم اظهار پشیمانی ام به نم داد.**

وآن روز برای من بسیار سخت گذشت: به یادم آمد که در جایی از « ناپلئون» خوانده بودم:

« مرگ حقیقی برای انسان مردن امید است!»

سرگذشت کشور های عرب خاور میانه

بازگشت به درون جامعهٔ خاور میانه

۴

استاد عبدالعلی کوهی

محمد عبده بخش زیادی از زندگی اش را در همکاری نزدیک با سید جمال الدین افغانی سپری کرد و خود را متعهد به مبارزه با استعمار و تیل به وحدت مسلمانان می دانست. او دریافت، تهدید اساسی که جامعهٔ اسلامی با آن مواجه است، در درون مرز های کشور های اسلامی قرار دارد، او به این باور بود که دشواری ها و مشکلات مسلمانان در اساس و بنیاد، مشکلات فرهنگی و اجتماعی می باشد و راه ترقی و پیشرفت را در اصلاح فکری و نوزایی فرهنگی می دانست.

عبده با طرح این سوال که (انحلال، انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان کدام اند؟) در پاسخ به دو منبع اساسی اشاره می کند: سیاست بد در درون کشورهای عربی و انحطاط و زوال فکری. سیاست سرکوب، خود خواهی و انحراف از اصول اسلام را دلیل انحطاط مسلمانان می دانست. به نظر وی اصول حقیقی اسلام تحریف و بد تفسیر شده و نیز از جوهره ی اخلاقی اسلام، مسلمانان تهی گردیده اند؛ بنا بر ادعای عبده، اسلام امروز به سطح آداب و تشریفات مذهبی اندکی نظیری: نماز خواندن، روزه گرفتن و نیز به سطح تعداد اظهار نظرهای بی معنی تنزل داده شده است. از نظر وی نه تنها حکام جامعه اسلامی مسوول انحطاط و عقب ماندگی جامعه اسلامی گردیده اند؛ بلکه علماء نیز در این راه مسوولیت داشته اند؛ زیرا آنان نتوانسته اند با مسایل جدی موجوده جامعهٔ اسلامی، مقابله کنند و ذهن مردم را در مورد اینکه چگونه می توان آن گونه دشواری ها را حل کرد، روشن سازند، تا اینکه علماء نگرش تقدیر گرایانه در برابر دشواری های اجتماعی در جوامع اسلامی اتخاذ کردند و در جهت حل بحران و ریشه های آن کاری را انجام ندادند.

عبده توضیح می دهد عناصر تنبل و منحط، گفته های دشمنان قرآن را تکرار می کنند که پایان زمان فرا رسیده است، و روز قیامت نزدیک است که شروع شود و فساد که مردم را فرا گرفته و رکود که بر دین عارض شده، تنها علایم این دوره هستند؛ بنا بر این کار کردن برای رفع و اصلاح این انحرافات بی فایده است؛ چون همه تلاش ها در این راستا بی ثمر می باشد و همه حرکت ها دراین جهت بیهوده است.

عبده به طور واضح علمای سنت گرا را متهم به بی مسوولیتی نموده است؛ زیرا این علمای سنت گرا به علوم طبیعی به نظر بد بینانه می نگریستند و از آموختن آن اجتناب می کردند، تا اینکه مسلمانان را ضعیف نگهدارند. عبده می نویسد (حقیقت در جایی است که سند، مدرک و دلیل موجود باشد و کسانی که علم و دانش را از حمایت دین باز می دارند، در واقع دشمنان دین هستند).

عبده با رد این عقیدهٔ مطرح شده توسط شرق شناسان، مبنی بر اینکه انحطاط مسلمانان با دین اسلام ارتباط دارد، استدلال می کرد که بر عکس عقب ماندگی مسلمانان به علت کاهش، تعهد آنان نسبت به اصول حقیقی اسلام است. او ادعا کرد که تعلیم اسلام، اگر با آن عمل شود، هنوز قادر به برانگیختن امت به سوی ترقی می باشد. عبده بحران امت اسلامی را یک نوع بحران عقلانیت می دانست، او در کتابی که تحت عنوان الاسلام و النصرانیه) اسلام و مسیحیت نوشته است، از جمله پنج اصل اسلامی سه تای آن بر محوریت عقل بشر تأکید دارد. او می گوید که باور و اعتقاد حقیقی باید مبتنی بر دلیل و مدرک بوده و ملزومات قضاوت بر مبنای عقل استوار باشد. به نظر وی عقل و وحی همزمان و همراه و مکمل یک دیگر اند؛ طوری که بدون وحی عقل محکوم به گمراهی و بی راهه خواهد بود و بدون عقل وحی غیر قابل درک می باشد. این هر دو نمی تواند در تضاد با هم قرار گیرد، وی به معاصرانش این نکته را یاد آور شد که وحی به خودی خود اگر از عقل و استدلال بشری بی بهره باشد، عقل غیر قابل درک خواهد بود.

چهره ممتاز دیگر که در حوزهٔ آگاهی جامعهٔ خاور میانه نقش داشته است، الکواکبی می باشد که در سال های (۱۸۴۸ الی ۱۹۰۲) می زیست، او در سوریه به دنیا آمد و فعالیت های رسانه ی این روشنفکر از سوی مقامات عثمانی محدود گردید، الکواکبی در دو کتاب مشهور خود: ام القراء (مادر شهرها) و طبایع الاستبداد (ویژگی های استبداد) وضعیت موجود کشورهای اسلامی را به بررسی می گیرد، موصوف در کتاب نخست خویش، در صدد کشف علل رکود و جمود (فتور) که در چند قرن اخیر گریبانگیر مسلمانان شده بود، بر آمد.

الکواکبی بحران به وجود آمده در جامعه ی اسلامی را بحران فرهنگی می خواند. کواکبی بحران اجتماعی کشورهای عربی را به بررسی می گیرد و گوشه های مهم این بحران را چنین تفسیر و تحلیل می کند.

ریشه های تقدیر گرای در افکار و اذهان مسلمانان: مسلمانان به این باور اند که آنها هیچگونه دخل و تصرف بر توسعهٔ تاریخی جامعه ندارند، الکواکبی این باور و عقیده را به زوال علمی مسلمانان نسبت می دهد که مردم را نا توان از تحلیل و درک علل تغییرات جامعه ساخته و به موجب آن جهل خود را به ما فوق طبیعت نسبت داده و پنهان می سازند.

سرکوب و نابود سازی گسترده ی دانشمندان و محققان مسلمان توسط مقامات سیاسی: الکواکبی علمای دربار را تشنگ های اجیر شده ای می دانند که وسیله ای اند در جهت خدمت به مقاصد و جاه طلبی های حکام، این علمای درباری در برابر پاداش و امتیازات اندک، مشروعیت حکام و دربار را تبلیغ دینی می نمایند.

دشمنی و آشتی نا پذیری نسبت به علوم طبیعی: تعدادی از علماء اصرار می ورزند که تنها علوم مذهبی و اسلامی ارزش این مطالعه را دارند و بس، آنها مطالعهٔ ریاضیات و فزیک را محکوم می نمایند و کسانی که می خواستند این گونه کتب را مطالعه نمایند متهم به فساد و ناروایی می نمودند، در نتیجهٔ اینگونه اعمال شرایط به وجود آوردند که نهایتاً منجر به کمرنگی علوم در جامعهٔ اسلامی گردید؛ در حالی که اروپا به پیش روی خود ادامه می دهد.

بی سوادی گسترده در میان زنان مسلمان: زنان بدون تحصیل و در خانه نگهداشته می شوند. الکواکبی متذکر می شود که شرایط جاری در میان زنان در تضاد کامل با سنت جامعهٔ اسلامی اولیه است. بنا بر ادعای کواکبی زنان مسلمان معاصر که فاقد تعلیم و تربیت بوده باشند، قادر نیستند تا فرزندان با هوش و زرنگ را تربیه نمایند. الکواکبی با الافغانی به این باور بود که اصلاحات سیاسی برای برخورد بحران فرهنگی جاری جامعهٔ اسلامی ضروری است. او پیشنها می کرد که یک فدراسیون با ساختاری نظیر مدل آلمانی و یا امریکایی باید استقرار یابد، تا کلیهٔ مسلمانان را مدیریت نماید. او نظام خلافت را توصیه می کرد، تا همهٔ مسلمانان در زیر این چتر قرار داشته باشند. الکوکبی نسبت به برنامه های سیاسی پلان شده از جانب عثمانی را در نیمهٔ دوم قرن نزدهم که خواهان دست یابی به تمرکز قدرت بیشتر بود، انتقاد می نمود. الکواکبی به این باور بود که یک نظام متمرکز برای یک اتحاد اسلامی نا مناسب است؛ زیرا اندیشه های امپراتوری عثمانی یک قانون اداری و اسلامی به طور تنگ نظرانه طرح ریزی شده و بر مردمانی که دارای آداب، رسوم، عادات و ملت های مختلف می باشند، به زور تحمل می گردد. از سوی دیگر این سیستم متحجر و انعطاف نا پذیر که قادر به پاسخ گویی به نیاز های ویژهٔ عنصر گوناگون در درون امپراتوری نمی باشد، از جانب دیگر الکواکبی بذر های ناسیونالیسم عربی را کشت نمود، در واقع قیام شریف حسین حاکم مکه که خود از نسل قریش بود، بر ضد عثمانی ها در سال ۱۹۱۷ میلادی را می توان یک تلاش نا موفق برای ایجاد یک دولت عربی در خاورمیانه به حساب آورد.

باید گفت که این چهار روشنفکر به طرق مختلف تحت تأثیر ظهور و غلبهٔ رو به تزاید قدرت های اروپایی بوده اند، در نزد این روشنفکران، اروپا از یک طرف منبع الهام و مدل تمدنی بود و در نزد دیگرشان منبع تهدید تلقی می گردید و باید از آن ترسید و با آن مقابله کرد. این طرز تفکر پس از استعمار خاور میانه از سوی کشورهای اروپایی، در این سرزمین ها برای خود محل اعراب پیدا نمود، این روشنفکران از یک طرف اروپا را به خاطر دست آوردهای علمی و سیاسی اش تحسین می کردند و از جانب دیگر به درجات گوناگون به اروپایی ها، خشمگین و بی اعتماد بودند. در این جا می توان از دو مدل رقیب یا دو چارچوب که جای گزین های امید بخش، برای وضع موجود ارائه شده بود. شناسایی نمود. مدل غربی مجسم در تمدن غربی و مدل اسلامی از روی نمونه های جامعهٔ اسلامی اولیه. الطهطاوی همراه با تعدادی از روشنفکران لبنانی به غربی سازی جامعهٔ عربی و اتخاذ قالب های فرهنگی مردم را فرا می خواند؛ در حالی که روشنفکران دیگر عربی طالب مدل تاریخی اسلامی بودند و مسلمانان را به پذیرش مجد و کمال مطلوب جامعهٔ اولیه اسلامی و به اصلاح ساختار فرهنگی و اجتماعی موجود فرا می خواند. اما زمانی که جامعه به طور فزایندهٔ به دو بلوک اجتماعی عمده قطب بندی شد، این دو مدل به زودی با هم برخورد کردند، به طور آشکار این دو مدل از نظر روشنفکران اصلاح طلب پیشتاز به طور متقابل یک دیگر را نفی نمی کرد.

الطهطاوی و عبده استدلال می کردند که بسیاری از اعمال و رویه های اروپایی ها یک کار برد مستقیم اصول اسلامی متروک شده توسط خود مسلمانان را منعکس می کرد. عبده به عنوان مثال چنین گفته است، (**ما به اروپا رفتیم و اسلام را دیدیم؛ ولی مسلمانان را ندیدیم و بر گشتیم به سرزمین های اسلامی که مسلمانان را ببینیم، ولی اسلام را نه**) از طرف دیگر بسیاری از دیدگاه ها و نهادهای غربی نظیر حکومت نمایندگی با نظام فدرالی در چارچوب مدل تاریخی مورد حمایت الکواکبی و عبده قرار گرفتند، این جدال های تاریخی در کشورهای خاور میانه تا هم اکنون ادامه دارد و طرف داران بازگشت به مدل اروپایی جایش را به مدل های تاریخی اولیهٔ اسلامی خواهد گذاشت.

پاکستان د اسامه له پیښې وروسته...

د کراچۍ په شمول، په بلوچستان او سرحد آیالتونو کې د پیښور په ښار، باړې ته نږدې سربند سیمه کې چې له ښار څخه یوازې دوه کیلو متره لیرې واټن کې واقع ده، د پولیسو په مرکز باندې پرله پسې حملې او هم په تیره اونۍ کې د چارسدې ضلعې په شبقدر نومې سیمه کې د پوځیانو په یو تربیت ځای کې د پوځي تربیت څخه د فارغیدو پر مهال دوه خونړي بریدونه ترسره کیدل چې د اتیا تنو په شاوخوا کې پوځیان او عام وګړي پکې مړه شول او له دې ډیره شمیره ټپیان هم شو. دا په ګوته کوي چې پاکستان د ډانګ او پرانګ ترمینځه قرار لري، له یوې خوا ټریوالي رستې د پاکستان په خاوره کې د ایبټ آباد په څیر پوځي مرکزونو ته نږدې چاپیریال کې د اسامه پیدا کیدل، د پاکستان د دولت لپاره د ترهګرۍ (!) پر خلاف عملیاتو کې په برخه اخستلو باندې شکونه راولاړوي او امریکا اوس له دغه هیواد څخه د ملا عمر، ایمن الظواهري او نورو القاعده مشرانو غوښتنه هم کوي چې تیره ورځ یو یمني تبعه مشر یې هم ونیولی شو. او ویلی کیږي چې د جنرال حمید ګل په وسیله ملا عمر ته هم دا پیغام رسیدلی چې نور دغه خاوره پریږدي او افغانستان ته واوړي څو یې امریکایان هلته ووژني. له بلې خوا د طالبانو او القاعده لخوا د اسامه د وژل کیدو وروسته دا ډول درنو ګوزارونو له پاکستان څخه وار پار خطا کړیدي او همدا لامل دی چې کله دوه اونۍ وړاندې د هند صدر اعظم من موهن سنګ افغانستان ته راغلی وو او نو د پاکستان صدر اعظم یوسف رضا ګیلاني روسي ته په څلور ورځنۍ سفر تللی وو او ددغه هیواد د بهرنیو چارو وزیر شاه محمود قریشي ایران ته سفر کړی وو. همدارنګه دوه ورځې مخکې ګیلاني د چین هیواد سره هم د استراتیژیکي ملګرتیا تړون یو ځل بیا لاسلیك کړ او ورته یې د پرمخ تللو الوتکو ورکولو ژمنه ورکړه چې ددغو دواړو هیوادونو ترمینځه د نږدې اویا کلنۍ دوستۍ ځرګندوي کوي.

که پاکستان په سیمه کې دوه مخې پالیسي نه وه خپله کړې او د افغان ولس پر خلاف یې د برلاسۍ او دښمنۍ لیار نه وای نیولې، نن ورځ به دا ډول حالت سره نه مخ کیده اوس هم وخت دی چې د سیمې دوه ګاونډي اسلامي هیوادونه د خپلو ګډو مشترکاتو پر بنیاد صادقانه چلند وکړي او له هغه ورپیښ شوو ګواښونو او بلا څخه ځانونه خلاص کړي چې د دواړو هیوادونو په مرینو یې لکه د خپسې په څیر کلکې منګولې لګولې او د دواړو هیوادونو ځمکنۍ بشپړتیا او ملي حاکمیت ته ګواښ پیښ شوی او عملاً یې ورځخه حاکمیت تړورلی دی. که په ګاونډ کې میشت هیوادونه یو بل ته باور ورکړي دا له دې ډیره ښه ده چې د نړۍ خونخواران په دواړو لوبې وکړي.

موضع گیری های متفاوت بر سر پیمان استراتیژیک!

عنایت

پس از آن که داشتن روابط استراتیژیک با امریکا مطرح گردید، واکنش های متفاوتی از سوی مراجع مختلف بر سر عقد این پیمان در داخل وخارج کشور شنیده شد.

رنگین دادفر اسپنتا، مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری در اظهارات اخیرش گفته است که، کشورش در نظر ندارد در مورد امضای پیمان استراتژیک که یک طرف امریکا باشد، با کشورهای همسایه مشورت کند.

آقای اسپنتا که در جلسهٔ عمومی مجلس نمایندگان افغانستان صحبت می کرد گفت: تا زمانی که من مدیریت این گفتگوها را دارم، به کشورهای همسایهٔ افغانستان "حق وتو" این پیمان را نخواهم داد.

او گفت، آنچه برای افغانستان اهمیت دارد، منافع ملی این کشور است که باید در پیمان استراتژیک با امریکا تضمین شود.

اظهارات آقای اسپنتا در حالی صورت می گیرد که برخی دیگر از اعضای کابینهٔ آقای کرزی واکنش های متفاوت تر از خود نشان داده بودند.

کارشناسان می گویند: در داخل ارگ ریاست جمهوری توافق نظر در مورد امضای پیمان استراتیژیک وجود ندارد.

گفته می شود رئیس جمهور خود طرفدار داشتن روابط با امریکا می باشد، اما دشواری کار در این است که تا هنوز آقای کرزی مثل برخی از قضایای دیگر موقف مشخص خود را در این مورد ابراز نداشته و یک حالت گنگ و پیچیده را به وجود آورده است.

آقای کرزی گاهی از همکاری های منطقه ای حرف می زند و گاهی هم موقف های متضاد اتخاذ می نماید. برسر دو راهی قرار گرفتن رئیس جمهور سبب شده است، هرگونه تصمیم گیری در مورد پیمان استراتیژیک را موکول به لویه جرگه نماید.

بر گزاری لویه جرگهٔ عنعنوی که فاقد مشروعیت قانونی است، هرگونه اتهام را در آینده به دوش کسانی می سپارد که در تصمیم گیری های سیاسی کشور ناشیانه و ذوق زده عمل می کنند.

برگزاری لویه جرگه و تصمیم گیری بر سرقضایای ملی نهادهای مشروع و قانونی افغانستان را به حاشیه کشانده است.

پارلمان افغانستان که می بایست سر این گونه قضایا ابراز نظر نماید و تصمیم گیرندهٔ اصلی باشد، در روشنایی کامل مسودهٔ سند پیمان استراتیژیک قرار ندارد.

فراخوانی مشاور امنیت ملی و وزیر خارجه کشور در هفتهٔ گذشته نیز به همین منظور صورت گرفته بود.

توضیحات این دو مقام حکومتی قناعت مجلس نمایندگان را فراهم نکرد. آقای اسپنتا با لفاظی های احساساتی توجه برخی از نمایندگان مردم را به خود جلب کرد و جلسه بدون نتیجه پایان یافت.

این اظهارات در حالی صورت می گیرد که کشورهای همسایهٔ افغانستان، آشکارا نگرانی خود را در مورد تصمیم افغانستان مبنی بر امضای پیمان استراتژیک با امریکا ابراز کرده اند.

عبدالرحیم وردک وزیر دفاع، عمر زاخیل وال وزیر مالیه، سپنتا مشاور امنیت ملی افغانستان از جمله سرسخت ترین افرادی هستند که طرفدار عقد پیمان استراتیژیک با امریکا می باشند. آنان می گویند: ایجاد پایگاه ها به سود امنیت و ثبات افغانستان خواهد بود، اما این طرح در درون حکومت افغانستان نیز با مخالفت تعداد زیادی از وزرای کابینه روبرو شده است.

با آن که جزئیات این پیمان هنوز در اختیار رسانه ها و جامعهٔ مدنی افغانستان قرار نگرفته، اما گفته می شود، سندهایی که بیشتر بر محور دکتربن نظامی امریکا در منطقه می برخند از اصول اجتناب ناپذیر این پیمان خواهد بود.

ایران و پاکستان در جمع همسایه های افغانستان هستند که نگرانی خود را نسبت به امضای پیمان استراتژیک میان افغانستان و آمریکا ابراز کرده اند.

این که چرا پاکستان در دوران جنگ های سرد و تروریزم متحد امریکا بود، اکنون نمی خواهد، افغانستانی که ضرورت به حمایت های سیاسی و نظامی قدرت ها دارد مستفید گردد، پرسشی دیگر است که نسبت به آن حساس باید بود!

مصطفی نجار وزیر داخلهٔ ایران چندی پیش در سفری که به کابل داشت تصریح کرد که حضور امریکا بی ثباتی را در منطقه ایجاد می نماید.

مقامات وزارت خارجهٔ افغانستان سفرهایی به ایران داشتند و موضع افغانستان را به جانب ایرانی توضیح نموده اند. اما هرگونه تلاش های دیپلوماتیک از سوی افغانستان که گویا بتواند ایران را قناعت داده باشد محال به نظر می رسد. این کشور برای یک لحظه مایل نیست که امریکا در همسایگی وی برای خود پایگاه درست نماید.

در همین حال یوسف رضا گیلانی نخست وزیر پاکستان در رأس یک هیأت، متشکل از وزرای کابینه و مقام های ارتش آن کشور به کابل سفر نموده بودند.



طی این سفر جانب پاکستان ضمن برشمردن اهمیت روابط دیپلوماتیک و همکاری های نظامی بین افغانستان و پاکستان، نگرانی خود را نسبت عقد این پیمان کتمان نکرده بودند.

بنا به گفته های تایید ناشده، گیلانی از رئیس جمهور خواسته بود به جای همکاری های دراز مدت با امریکا، گزینه های همکاری های منطقهٔ را برگزیند.

کشورهایی مانند چین و روسیه که از بازیگران اصلی در منطقه هستند و توانمندی نمایش قدرت را دارند، موجودیت پایگاه دائمی امریکا را در افغانستان به سود منطقه نمی دانند.

اگرچه دولت افغانستان بارها گفته است که روابط این کشور با آمریکا، به زیان و ضرر کشور سومی نخواهد بود، اما ایران و پاکستان، بنا بر دلایل مختلفی که بستگی به منافع ملی شان دارد، از حضور دراز مدت امریکا در افغانستان نگران هستند.

از سوی دیگر تمایل امریکا مبنی برداشتن پایگاه در افغانستان به ویژه پس از کشته شدن اسامه بن لادن پرسش های دیگری را بر انگیخته است. معلوم می شود که این کشور قصد دارد برای حفظ منافع و برنامه های راهبردی که در سطح جهان دارد در منطقه برای مدت های طولانی بماند.

کارشناسان می گویند: امریکا هنوز دنبال فزون طلبی ها در روابط خود با دنیاست و امکان دارد که حضور امریکا در منطقه باعث تشنج ها و درگیری های دیگری شود

افغانستان کشوری است که طی سی سال گذشته از سوی همسایگان و نهادهای استخباراتی این کشورها آسیب های فروانی را متحمل شده است. پایه های نظام و حکومتداری از هم پاشیده و در شرایط کنونی ارتش ما قادر به توانایی های رزمی در مقابل تهدیدات همسایه ها را ندارد.

در چنین شرایطی که افغانستان نیاز جدی به همکاری های بین المللی دارد ایجاب می نماید که با کشورهای بزرگ دنیا به منظور تقویت نهادهای ملی، روابط استراتیژیک داشته باشیم. در عین حال ما نمی توانیم بدون همسایه ها، باساختن پل های هوایی، تنها با آن سوی اقیانوس ها رابطه داشته باشیم. بنا برین هرگونه رابطه و امضای سند، باید با درک حساسیت های منطقه ای، حسن همجواری، بر محور منافع کلان ملی افغانستان صورت گیرد.

احصائیه، چگونه و چرا؟

همنوا



اداره های احصائیهٔ مرکزی در اکثر کشورها وجود دارد و موضوع مهم این اداره، احصائیه و آمار دقیق نفوس آن کشور است. احصائیهٔ نفوس معمولاً غیر جانبدار و مطابق خواست و منافع هرکشور و بدون هرگونه دست درازی و کوتاهی صورت می گیرد.

کشورهای که اهداف خاص را دنبال می نمایند، در پی اعلام احصائیه های غلط و نادرست به مردم کشور خود و به جهان اند و براساس همین معیارها اهداف خاص خود را پیاده می نمایند.

در نظام های دموکراسی ایجاب می نماید تا به رأی و مشورهٔ همه نهادها در اجرای حصائیه توجه صورت گیرد، به خصوص شورای ملی و نهادهای جامعهٔ مدنی باید مد نظر باشند تا فیصله ها، طرف قناعت همگان باشد و همه مطمئن شوند که در اعلام احصائیه و آمار نفوس، اغراض خاص سیاسی وجود ندارد و برای از بین بردن شفافیت کاری برای مخدوش ساختن آن صورت نخواهد گرفت. احصائیه در اکثر کشور ها به معاونت سازمان جهانی، درستی و شفافیت آن را ثابت می سازد.

در کشور ما رواج بر این است که افراد و مجموعه های شخصی، بدون داشتن مدارک لازم، گاه و بیگاه احصائیه ها را ذکر می کنند که اصلاً معلوم نیست این اعداد و ارقام را از کجا بدست آورده اند؟

در یکی از بحث های رادیویی، یک بحث کننده با تمرد ادعا داشت که، در جنگ های پس از پیروزی جهاد، شصت هزار تن در کابل کشته شده اند که سی و پنج هزار آن از زنان بوده است!

من در پاسخ گفتم که، جنگ ها برای قدرت و یا کسب امتیاز و وزارت خانه ها، حرام است و حتی شکستن و تخریب یک خشت خانهٔ هموطن نیز نارواست، امروز که دولت بر تمام کشور حاکمیت دارد و بیش از چهل کشور جهان در افغانستان حضور دارند، به هیچ صورت احصائیهٔ دقیق نداریم، پس چگونه شما در مورد حوادث سال های قبل که تمام مشکلات بر کشور سایه داشت و از احصائیه های کوچک نیز اطلاعی در دست نبود، حکم می کنید که شصت هزار نفر کشته شده و سی هزار آن زن بوده است!

در کشوری که دم از دموکراسی می زند، گزینش رئیس جمهور، اراکین رده های بلند دولتی از طریق آرای مردم انتخاب می شوند، امر ضروریست که احصائیه داشته باشد. در کشورما روی هر ملحوظی که بوده و است، پروسهٔ سرشماری آغاز نشده و به این امر مهم توجهٔ چندانی صورت نگرفته است. شروع این برنامه همکاری جدی دولت، مردم و هزینهٔ هنگفت را می طلبد. اینکه ادارهٔ احصائیه، این آمار را از کجا دریافت کرده و یاهم رمل اندازی و یا هم خواب دیده باشد، که مشکل کلان ملی را توانسته به این سادگی حل کند، لطف نمایند جزئیات نفوس را نیز در اختیار مردم قرار دهند تا مردم بدانند که از کدام ولایت و ولسوالی و ملیت چه تعداد نفوس در این کشور وجود دارد. در غیر آن و در صورت عدم ارائهٔ آمار درست « راهیست به ترکستان رفتن!».

توافقنامه حماس و فتح صدای مشروع ملت فلسطین

* تکساری *

چهارم ماه می روز تاریخی برای مردم فلسطین است؛ زیرا در این روز دو گروه مهم و قدرتمند فلسطین (فتح و حماس) به وساطت کشور مصر در یک چارچوب درازمدت به توافق رسید و زمینهٔ شکل گیری یک دولت مستقل فلسطینی، برای نخستین بار در تاریخ حیات سیاسی فلسطینی ها شکل گرفت.

در مراسم این توافقنامه، دبیرکل سازمان ملل متحد، اتحادیهٔ عرب، وزاری خارجهٔ ترکیه، مصر و سفرای برخی از کشورهای عرب اشتراک ورزیده بودند. بر اساس این توافقنامه، کشمکش چارساله میان دو جریان قدرتمند سیاسی و نظامی فلسطین در ظاهر امر به پایان رسید و زمینهٔ تشکیل یک دولت مستقل در دستور کار آن ها قرار گرفت.

تعهد به دولت وحدت ملی، انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی ظرف یک سال آینده اشک شادی را در چشمان مردم فلسطین به وجود آورده است؛ زیرا در نتیجهٔ یک چنین تفاهم این امیدواری به وجود آمد که جنگ قدرت به پایان خود نزدیک شده است و صدای مشروع و واحد در حال به وجود آمدن می باشد.

این توافق مورد استقبال مردم فلسطین؛ به ویژه جوانان قرار گرفت و مردم در شهر های بزرگ فلسطین به شادی پرداختند و این روز تاریخی را جشن گرفتند. گفته می شود در این توافقنامه نسل جوان فلسطین نقش اساسی داشته است و این توافقنامه بدون تردید تحت تاثیر تحولات آخیر خاورمیانه شکل گرفته است؛ همان طوری که حرکات مردمی در مصر، تونس، سوریه، یمن و سایر مناطق خاورمیانه را به طور عموم جوانان رهبری می نمایند. همچنان در اجرای این توافقنامه جوانان فلسطین نقش برجسته داشته اند؛ زیرا درگیری های حماس و فتح خواسته های جوانان این سرزمین را برآورده نمی سازد.

امروز جوانان فلسطین، کار، آزادی و سرزمین می خواهند، نه درگیری های مسلحانه میان گروه های فلسطین. این توافقنامه اسرائیل را عصبانی ساخته؛ زیرا اسرائیل همواره از موجودیت حماس به مثابهٔ یک حربهٔ مهم سیاسی استفاده کرده و به وسیلهٔ آن خواسته است، مردم اسرائیل را در برابر فلسطینی ها بسیج نماید. بی مورد نیست که حکومت اسرائیل و امریکا به این توافقنامه روی خوش نشان نداده اند و حمایت ایالت امریکا از این توافقنامه در سطح یک دیپلوماسی معمول تلقی می گردد؛ زیرا امریکا تا اکنون کدام استراتیژی مشخص در برابر اسرائیل اتخاذ نکرده است که مورد قبول فلسطینی ها قرار گرفته باشد.

اسرائیل یک بار دیگر جریان حماس را دهشت افگن و مانع صلح در شرق میانه میان فلسطین و اسرائیل عنوان کرد و اصرار نمود که باید جنبش فتح یکی را انتخاب کند اسرائیل و یا حماس. مشکل حماس و فتح، نه تنها دارای جنبهٔ داخلی می باشد، بلکه کشورهای بیرونی، به شمول امریکا، اسرائیل و انگلیس گروه پر قدرت حماس را که کنترول غزه را در دست دارد و طرفداران زیادی را در فلسطین و شهرهای بزرگ آن دارد، دهشت افگن می خوانند و هر نوع مصالحه به آن را تا اکنون غیر ممکن گفته اند.

بر اساس همین دکتورین امریکا و غرب تمامی حرکات صلح خواهانه میان اسرائیل و فلسطین به ناکامی منجر گردیده است. تشکیل دولت مستقل فلسطینی به شمول همه گروه های فلسطینی می تواند تکلیف دو میلیون مهاجر فلسطینی را که شصت سال قبل به کشورهای دور و نزدیک پراگنده شده اند، روشن خواهد ساخت. این توافقنامه قبل از همه از گروه های فلسطینی صبر و تحمل می خواهد، تا مفاد آن به ثمر بنشیند.

امروز اسرائیل به این توافقنامه به نظر شک و تردید می نگرد و در جهت شکست آن تلاش خواهد کرد، تا در تصمیم گیری های بزرگ سازمان حماس خارج ساخته شود؛ زیرا هدف بزرگی جهاد اسلامی و حماس را خارج ساختن اسرائیل از سرزمین های فلسطین و باز گشت آبرومندانه فلسطینی ها به سرزمین های شان تشکیل می دهد؛ چیزی که برای اسرائیل و متحدان آن قابل قبول نمی باشد. این توافقنامه مهاجرین فلسطینی را که در رود اردن، کرانه های غربی و مناطق جولان آواره گردیده اند، امید وار به آینده ساخته و روز آوارگی خود را که شصت سال قبل از سوی اسرائیل صورت گرفته است روز نکبت نام گزاری نموده و از تاسیس کشور اسرائیل نارضایتی خود را در تظاهرات بزرگ به نمایش گذاشتند و به خیابان ها ریختند.

اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تشکیل گردید و در این سال صد ها هزار فلسطینی سرزمین های شان را ترک نمودند و یا از جانب اسرائیل وادار به این کار گردیدند. امروز سرنوشت فلسطینی های که در اردو گاها و شهرک های پراگنده، در مناطق خاورمیانه زندگی می کنند، یکی از پیچیده ترین مباحث گفتگوها و بازگشت صلح بین اسرائیل و فلسطین را تشکیل خواهد داد. این ها و موارد دیگر چیزی نیست که فلسطینی ها بتوانند از کنار آن به راحتی عبور کنند. امسال روز نکبت با تاثیر پذیری از موج درگیری ها در مناطق خاورمیانه آب و هوای تازه یی به خود گرفته بود، هزاران فلسطینی شعار: به سرزمین خویش بر خواهم گشت را، سر دادند؛ تا حدی که هزاران فلسطینی مهاجر وارد بلندی های جولان که در اشغال اسرائیل قرار دارد، گردیدند که از سوی اسرائیل به آن ها شلیک گردید که تلفاتی را به دنبال داشته است. اسرائیل از سال ۱۹۶۷ بلندی های جولان را در اشغال خود دارد. این توافقنامه در صورتی که بتواند به صدای واحد در سرزمین فلسطین تبدیل گردد، برای اسرائیل و هواداران آن دشوار خواهد بود تا این صدای مشروع را خفه سازد.

وقت آنست تا شورای...

شاهد این همه خونریزی ها در کشور نبوده باشیم.

همچنان هفتهٔ گذشته، در کنفرانس «حمایت و بازنگری از برنامهٔ صلح و بازگشت به زندگی صلح آمیز» که در کابل برگزار شده بود، نمایندگان کشورهای مطرح و اراکین دولت افغانستان در آن اشتراک داشتند، رئیس شورای عالی صلح، از دست آورد های این شورا یاد آوری نمود.

به نوشتهٔ روزنامه واشنگتن پست ، نمایندگان حکومت امریکا حداقل سه بار با رهبران طالبان در قطر و آلمان، که از واپسین نشت آن حدود دو هفته می گذرد، ملاقات کرده اند. به نوشتهٔ واشنگتن پست، یک مقام دولت افغانستان گفته است که یکی از همکاران خیلی نزدیک ملا محمد عمر رهبر طالبان در این ملاقات ها حضور داشته است. گزارش ها می رسانند که مذاکرات میان طالبان و نماینده گان حکومت امریکا به میانجیگری اشخاص غیردولتی و نماینده گان کشورهای عربی و اروپایی انجام شده است.

همچنان وزیر خارجهٔ امریکا هفتهٔ گذشته در واشنگتن اظهار داشته است که کشته شدن اسامه بن لادن زمینه را برای طالبان مساعد می سازد که اتحاد خود را با القاعده بشکنند و با صداقت به مذاکرات صلح داخل شوند.

خانم کلنتن تاکید نمود که، طالبان باید از خشونت دست بکشند و قانون اساسی افغانستان را بپذیرند. اما وزیر خارجهٔ امریکا در مورد گزارش روزنامه واشنگتن پست اظهار نظری نکرده است.

واقعاً اگر پروسهٔ صلح با دلسوزی تمام پیگیری نشود، حرکت های مسلحانه بیشتر از پیش وسعت یافته، منطقه و حتا جهان را در آینده های دور و نزدیک تهدید خواهد کرد. آوردن صلح و امنیت، نه تنها نیازملی بلکه، نیاز جهانی است. مخالفت با صلح و رد آن به نحوی از انحاء، مخالفت به امر خداوند و دشمنی با شهروندان کشور محسوب می شود.

ازدولت افغانستان، نهادهای صلح خواهانه، مردم متدین و خیر کشور، علمای کرام، کشورهای همسایه و منطقه، دول اسلامی و کشورهایی که به کمک افغانستان جهت محو تروریسم در صحنه حضور دارند، تقاضای جدی می شود تا در این راستا صادقانه گام بردارند.

په حصارك او تخار كې د ولسونو له قهر وروسته...

ورسره جوخت د نورستان ولایت یوه مهمه ولسوالي او ګڼې سیمې د دولت د مخالفینو په لاس کې پریوتلې.

تیره اونۍ چې د بهرنیو ځواکونو لخوا د ننګرهار د حصارك په سیمه د بمبارۍ په نتیجه کې یو دولس کلن هلك او یوه ښځه شهیدان شول نو د سیمې د خلکو لخوا ولسي پاڅون ترسره شو او دا یې وښووده چې نور د افغان ولس د صبر کاسه لبریزه ده او له بهرنیانو څخه غواړي چې نور دې د افغانانو له وژلو څخه لاس واخلي، دا پداسې حال کې ده چې د کنړ او خوګیانیو په ولسوالیو کې مخکې هم د ناټو ځواکونو د شپې لخوا خپلو پټیو ته اوبو ورکوونکو دهقانانو باندې هم توغندي ورولي وو او هغوی یې شهیدان کړي وو.

اوس د روانې میاشتې د چهارشنبې په شپه د ناټو ځواکونو لخوا د تخار په ولایت په یو کور باندې د شپې لخوا یوه حمله ترسره شوه چې پکې یې د جوماتت د خطیب په شمول د هغه ښځه، لور او یو میلمه شهیدان کړي دي او وایي چې له مینځه وړل شوو کسانو د ښځو په شمول وسله لرله. د بهرنیو ځواکونو ددغو ورستیو عملیاتو په نتیجه کې په سبا یې د چهارشنبې په ورځ د دوه وو زرو په شاوخوا کې د تخار ولایت عام ولس په قهر راووت او په لاریون یې لاس پورې کړ، نو دا ځل هم د مزار شریف د لاریون په څیر لاریون خونړۍ بڼه غوره کړه او د ناټو ځواکونو او افغان امنیتي ارګانونو سره په یوه منظمه نښته بدل شو چې لامله یې د دیارلس تنه خمونږ عام هیوادوال شهیدان شوي او هم د دریو تنو الماني پوځیانو په وژنه تمام شوی دی، او له نوی تنو څخه ډیر افغانان پکې ټپیان شوي دي. د هیواد په ختیځ او جنوبي ولایتونو کې د ولسي پاڅونو په څیر په شمال کې هم د یوې نیمې میاشتې په دوران کې دا دوهم ولسي عکس العمل دی چې د بهرنیو ځواکونو او امریکایانو پر خلاف رامینځته کیږي او د ګڼو انساني تلفاتو لامل ګرځي. نږدې یوه نیمه میاشت وړاندې د مزار شریف په ولایت کې هم هغه مهال یوه ولسي مظاهره رامینځته شوې وه چې په امریکا کې د یو کشیش لخوا د قرآن کریم د سوځولو بزدلانه عمل ترسره شوی وو او د دغه مظاهرې بیا خشونت غوره کړ چې د یوناما په دفتر کې موجود مامورین یې ووژل او د مظاهرینو او پولیسو دواړو خواوته د مرګ ژوبلې تلفات اوښتي وو.

اوس چې د تخار په ولایت کې د ناټو ځواکونو لخوا د شپې پر مهال د یو تن عالم په کور باندې د حملې په نتیجه کې ولسي پاڅون رامینځته شوی، ددغه ولایت امنیتي وضع یې هم له ستر ګواښ سره مخ کړیده: ځکه دغه پاڅون په دوهمه ورځ هم دوام درلوده او په دوهمه ورځ یې د امنیي قوماندانۍ ودانۍ وسوځوله او پدې ورځ یې هم ځاني تلفات درلودل چې دغه کار په سیمه کې د نا امنۍ یوه پیلامه ده.

همدارنګه د هیواد په ختیځ ولایت ننګرهار کې هم د چهارشنبې په ورځ د مازدیګر پنځه بجې د ګمرك او تورخم هډې تر مینځه سیمه کې د پولیسو اکاډمۍ په یو کوستر موټر باندې دوه چاودنې ترسره شوي چې پکې د پولیسو اکاډمۍ د دیارلس تنو روزونکو په شمول یو شمیر عام وګړي هم شهیدان شوي او له لسو زیات نور ټپیان شوي.

دا پداسې حال کې ده چې په تیره اونۍ کې د جلال آباد کابل په لویه لار د خیروخیلو په سیمه کې هم د یو رینجر او کرولا موټرونو په شمول دوه نفت راوړونکي ټینکران پداسې ځای کې د طالبانو د برید لاندې نیول شوي وو چې د لغمان له دوه لارې څخه یوازې څلور کیلو متره لیرې واقع دی.

دغه پیښې ددې څرګندوې دي چې په هیواد کې امنیتي وضع له یوې ورځې څخه بلې ته خرابیدونکې ده او موجوده رژیم نور په افغان ولس کې خپل اعتبار له لاسه ورکړی دی.

هفته نامهٔ

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً انان راه راه خویش هدیت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

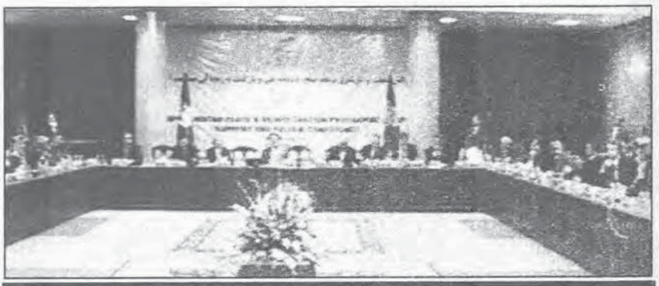
- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیستند.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین ارزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – نسماره هفتم ۳۱ ثور ۱۳۹۰ ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۳۲ - 21 May 2011

وقت آنست تا شورای عالی صلح بیشتر از پیش دست به کار شود



مصباح شعیب

مبرهن است در کشوری که جنگ و ناامنی از سا لهابه این طرف ادامه دارد و در نتیجهٔ جنگ، دشمنی هم به عمق خود رسیده، راه اندازی پروسهٔ صلح و دعوت مخالفان مسلح کار ساده و سهلی نبوده و به زمان و تلاش های پیگیر نیاز است.

نمی شود جنگ را با جنگ حل کرد و به سرمنزل مقصود از این طریق نایل آمد، هرگاه به تاریخ مراجعه شود، در همه ادوار در ادامهٔ هر جنگی صلح است که راهکشای حل قضایا می شود و مردم را از ناامنی نجات می دهد.

با کشته شدن اسامه بن لادن رهبر گروه تروریستی القاعده، امیدواری بر این است که شکست، ضعف و چند دستگی بین گروه طالبان رونما گردد، تا شهروندان کشورما دیگر شاهد جنگ و ناامنی و کشتار و ویرانگری نباشند. پس بر شورای عالی صلح است که از وضعیت کنونی استفادهٔ اعظمی نمایند تا آن عده طالبانی که با القاعده ارتباط ندارند و یا در پی کشته شدن رهبر القاعده در میان صفوف شان چند دستگی ایجاد می شود، از راه های ممکن در تماس شوند تا به کمک خداوند و سعی و تلاش های صلح خواهانهٔ رهبری شورای عالی صلح، این پروسه منتج به کامیابی ملت افغانستان شود. اما نکتهٔ مهمی را که شورای عالی صلح درنظر داشته باشد اینکه، در تطبیق این پروسهٔ که خداوند آن را «الصلح خیر» خوانده است، عدالت رعایت شود. نشود که صلح باعث به حق رسیدن تعدادی و حق تلفی جمع دیگری گردد.

استاد برهان الدین ربانی دو هفته پیش در اجتماع اعضای جمعیت اسلامی، در مورد ضرورت صلح و تأمین امنیت گفته بود، برخی قضایا به سرنوشت ملت ها تعلق دارد که یکی از آن امنیت است و ما نباید از کنار این همه حوادث بی تفاوت عبور نماییم، باید تلاش صورت گیرد، صلح

در صورت توافق رئیس جمهور و مجلس نمایندگان

سرنوشت محکمهٔ اختصاصی و نامزد وکلای معترض به کجا خواهد انجامید؟

اندیشه

حامد کرزی، رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در دیداری با اعضای هیأت اداری مجلس نمایندگان گفته است که ایجاد تغییر در نتایج انتخابات پارلمانی، منجر به ایجاد بحران سیاسی در افغانستان خواهد شد.

احمد بهزاد، معاون دوم مجلس نمایندگان می گوید، آقای کرزی در این دیدار پذیرفته است که اعمال تغییر در نتیجه انتخابات پارلمانی، امکان پذیر نخواهد بود.

آقای بهزاد که پس از ملاقات با رئیس جمهور در جلسهٔ عمومی مجلس نمایندگان به نقل از رئیس جمهور گفت:

" به همین نتیجه رسیده ایم که تغییر در نتایج انتخابات ممکن نیست و در صورت اقدام به چنین کاری، یک بحران گستردهٔ سیاسی کشور را فرا خواهد گرفت."

آقای بهزاد اظهارات رئیس جمهور را " گام مثبتی" در راه تقاضاهای مکرر مجلس نمایندگان خواند که بارها خواستار انحلال دادگاه ویژه رسیدگی به شکایات انتخاباتی شده بودند.

دادگاه ویژه پس از آن تشکیل شدکه ادعاهای زیادی در مورد تقلب در جریان انتخابات پارلمانی، همزمان از سوی برخی از نامزدان معترض مطرح شد. حامد کرزی، رئیس جمهوری افغانستان، برای تحقیق بیشتر در مورد شکایت های یاده دادگاه ویژهٔ را تشکیل داد.

اعضای مجلس نمایندگان بیم از آن دارند، با پایان تحقیقات، شماری از اعضای کنونی مجلس نمایندگان که متهم به دست داشتن در تقلب های انتخابات هستند، از عضویت در مجلس نمایندگان محروم شوند.

در همین حال برخی از آگاهان سیاسی و شماری اعضای مجلس نمایندگان می گویند که حکومت افغانستان، از دادگاه ویژه به عنوان یک وسیلهٔ فشار بر مجلس نمایندگان استفاده می کند.

پیش از آن چهار بار از حامد کرزی خواسته شده بود فرمان لغو دادگاه ویژه را - که در قانون اساسی افغانستان مشروعیت ندارد-- صادر نماید.

معاون دوم مجلس نمایندگان در حالی چنین ادعا ها دارد که تا به کنون از سوی دفتر سخنگوی ریاست جمهوری در مورد جزئیات ملاقات رئیس جمهور با هیأت اداری پارلمان کدام خبر یا تصرهٔ صورت نگرفته است.

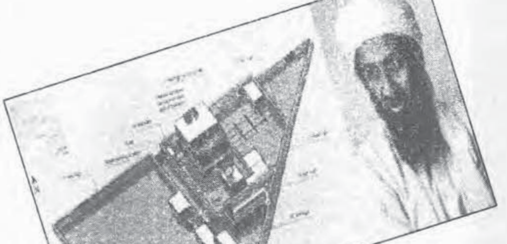
یک ماه پیش شایعاتی پخش شد که گویا رئیس جمهور دادگاهی را که خود تأسیس نموده بود لغو می کند، اما بعداً اعلام گردید که نتایج کار این دادگاه از سوی رئیس جمهور سه مرحله ای شده است.

طبق یک خبر دیگر، رئیس جمهور درعین حالی که از تغییر در نتایج انتخابات ابراز نگرانی کرده است گفته که، لغو دادگاه ویژه از صلاحیت های او نمی باشد.

به گفتهٔ مجلس نمایندگان، اقای کرزی وعده داده است که، در این مورد با عبدالسلام عظیمی سرپرست ستره محکمه گفتگو خواهد نمود. در صورتی که دادگاه ویژه لغو گردد، معلوم نیست که قناعت نامزدان معترض را که امارشان به ده ها تن می رسد کدام مرجع فراهم می نماید.

درهمین حال، معاون دوم مجلس نمایندگان هنگام ارائهٔ گزارش به نمایندگان گفت که، در دیدار رئیس جمهور وعده داده است به زودی ۷ تن از وزرای که به طور سرپرست کار می کنند جهت اخذ رأی اعتماد به مجلس معرفی خواهند نمود. وزارت خانه هایی که از یک سال به این طرف توسط سرپرست ها اداره می شود، عبارت اند از وزارت انرژی و آب، زنان، تحصیلات عالی، ترانسپورت، شهرسازی و مخابرات.

پاکستان د اسامه له پیښې وروسته



رفیق بحر

د سبتمبر د یوولسمې نیټې وروسته چې امریکا او د هغې پلوي لویدیځو هیوادونو په سیمه کې د ترهګرۍ (!) پر خلاف کوم پراخه عملیات پیل کړی وو. ددغو عملیاتو بنیادي موخه له سیمې څخه د ترهګرۍ ورکول او د هغو القاعده مشرانو نیول او یا له مینځه وړل وو چې د امریکا د ادعاء له مخې یې د سبتمبر د یوولسمې نیټې عملیات تنظیم کړی وو؛ هغه چې په نتیجه کې یې په امریکا کې د سوداګرۍ نړیوال مرکز یوسلو لس پوړیزه ودانۍ نړېدلې وه.

د لسوکلونو په موده کې د امریکایي عملیاتو له ټولو مهمه پیښه د مۍ د میاشتې په لومړۍ نیټه د هغو عملیاتو ترسره کول وو چې د پاکستان په خاوره کې د ایبټ آباد په سیمه کې د القاعده د مشر اسامه بن لادن په هستوګنځي ترسره شو چې ګمان کیږي د القاعده مشر پکې پنځه شپږ کلونه تیر کړي دي؛ پدغو عملیاتو کې چې د امریکایي کماندویي ځواکونو لخوا سهار وختي مهال ترسره شوي وو. د اسامه بن لادن په شمول څو تنه نور هم نیول شوي یا وژل شوي وو.

د القاعده د مشر اسامه بن لادن د وژل کیدو خبر د لومړي ځل لپاره پخپله د متحده ایالاتو تور پوستي ولسمشر اوباما

پداسې حالاتو کې ورکوي چې له افغانستان څخه د بهرنیو ځواکونو د وتلو د پیل تاکلې شوې نیټې (را روانې جولای میاشتې) ته یوازې دوه میاشتې پاتې دي او ددغه هیواد د ولسمشرۍ ټاکنو ته یو کال پاتې دی چې له مخې یې د اوباما د حکومت لپاره دا ډول پیښه ډیره ګټوره او زیرې ورکوونکې خبر دی؛ ځکه ددغه خبر سره خو له یوې خوا هغه بهانه ختمه شوه چې په سیمه کې یې د نړیوالو ځواکونو غوبل ته اجازه ورکوله او له بلې خوا د اوباما له خوا د درې کلونه وړاندې اعلان شوې استراتیژۍ بریالیتوب په ګوته کوي چې په برکت به یې اوباما د راتلونکي دورې لپاره د یو پیاوړي کاندید په توګه میدان ته راووځي.

خو تر کومه ځایه چې د القاعده سازمان د له مینځه تللو او د امریکا د دولت د مخالفینو د زور د اوبه کولو خبره ده نو د نړدې درېوو اونیو په دوران کې په پاکستان او افغانستان کې ترسره شوو عملیاتو په ډاګه کړه چې که د القاعده مشر (د امریکا د ادعاء له مخې) وژل شوی وي، بیا هم القاعده یو پیاوړی او نه ماتیدونکی سازمان دی او ښایي د امریکایي او ناټو ځواکونو پر خلاف ترسره کیدونکي عملیات نور هم ډیر شي او هغه سناریو او وړاندوینه تحقق ومومي چې د امریکا د دولت لخوا په سیمه کې د جګړې په هکله شوې وه چې د روان میلادي کال د پسرلي او اوړي په موسمونو کې به ډیرې زیاتې خونړۍ پیښې رامینځته شي چې د دا ډول دقیقو وړاندوینو په هکله دا شکونه هم راولاړیږي چې ګویا په سیمه کې د جګړو شدت او قلت د امریکا په لاس کې دی! چې پدې لیکنه کې پدې هکله څه نه وایو. خو هغه چې د پاکستان پر خلاف د القاعده او یا پاکستاني طالبانو د ځواکمنتوب او پیاوړیتوب خبره ده نو پدغه هیواد کې وروستیو څو پیښو په ډاګه کړه چې د پاکستان هیواد د ناټو د خودسرو عملیاتو او پاکستاني طالبانو ترمینځه په ډیر سخت مؤقف کې قرار لري؛ ځکه تیره اونۍ پدغه هیواد کې

۵مخ